هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

سرمقاله

قیام سوم حوت

سهم برازندهٔ پایتخت در جهاد علیه اشغال اتحاد شوروی
ص۲

امتحان کانکور

روزنه یی به سوی فردای جوانان کشور
ص۷

دور ششم - سال هفتم - شمارهٔ سی و هفتم شنبه ۳ حوت ۱۳۸۷- ۲۵ صفر ۱۴۳۰ - 21 February2009

حماسهٔ سوم حوت

محمد نسیم فقیری

سه حوت در تاریخ معاصر افغانستان یک روز پرافتخار و به یاد ماندنی است. در این روز تاریخی مردم قهرمان شهر کابل با قیام دلیرانه بر ضد تجاوز گران شوروی و رژیم دست نشاندهٔ آنها، حماسه ها آفریدند وخون های پاک شان را در راه خدا، استقلال و آزادی نثار نمودند.

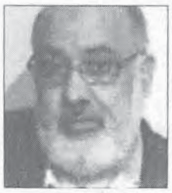
همه می دانیم که هنوز کمتر از دو ماه از یورش قوای متجاوز شوروی برکشور ما و روی کار آوردن گروه دیگر از وابستگان ماسکو نگذشته بود که مردم مسلمان و دلیر شهر کابل، نفرت و خشم عمیق خویش را در برابر تجاوز گران و چاکران شان ابراز نمودند و این قیام بزرگ و شجاعانه، مردم دنیا را به حیرت انداخت. دنیا می دید که شوروی همه ساله در حال پیشروی است و در آسیا و افریقا، رژیم های وابسته به ماسکو از طریق کودتا ها به قدرت می رسند و غرب در برابر شوروی در حال عقب نشینی است.

هرجایی که قوای شوروی داخل شده، با قوت و صلابت تمام،

ادامه درص۳

روایت گران رستاخیز سوم حوت ۱۳۵۸





فضل الکریم سادات:

گروهی موظف شدیم تا فوتو های استاد ربانی را در مناطقی از شهرخاصتا کارته پروان نصب کنیم

***

آقای حق پرست:

قیام حوت یک برنامه پلان شده ازسوی رهبری جهاد بود

***

انجنیرغلام سخی "مؤمن":

قیام سوم حوت ثابت نمود که جهاد بر ضد اشغال از درون ملت افغانستان ناشی شده است نه از بیرون آن

***

انجنیر عبدالقدوس:

مجاهدین تنها ایمان قوی، توکل به خدا و عزم و ارادهٔ راسخ دارند

***

سلطان محمد اورنگ عضو شورای ملی:

کمونیست ها فکرمی کردند که کابل خانهٔ امن برای ماست اما قیام نشان دادکه کابل نیزمانند سایرولایات افغانستان خانهٔ مردم مسلمان افغانستان است

***

آقای مسعودنقشبندی:

ما درشب قیام سوم حوت به صدها قطعه عکس وشب نامه را درمیان مردم پخش کردیم

تاخیر انتخابات، اقدام دیگری بسوی بی ثباتی در افغانستان

ص۶



اوباما سند اعزام ۱۷ هزار نیروی جدید به افغانستان را امضا کرد

باراک اوباما با اعزام ۱۷هزار نیروی اضافی به افغانستان برای تقویت مبارزه علیه طالبان و القاعده موافقت کرد.

به گزارش خبرگزاری های بین المللی، باراک اوباما رییس جمهور آمریکا، باراک اوباما با درخواست رابرت گیتس وزیر دفاع آمریکا برای اعزام نیروهای نظامی بیشتر به افغانستان موافقت کرد.

این نیروهای نظامی در برگیرنده حدود ۱۷ هزار سرباز می‌باشند. اوباما در این ارتباط خطاب به رسانه‌ها گفت: برای بهبود شرایط و ایجاد ثبات در افغانستان افزایش

ادامه درص۷



احمدضیاء مسعود معاون اول ریاست جمهوری:

معاونان ریاست جمهوری فاقد صلاحیت های قانونی خویش می باشند

****

پس از جوزای ۱۳۸۸ باید حکومت مؤقت جای حکومت فعلی را بگیرد

ص ۶

په سوات او ملاکند کې د برلاسو طالبانو له خپل دولت سره وروستی معاهده



۳مخ

سفر هالبروک

و راهبردجدید امریکا در مورد افغانستان



ص۲

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

قیام سوم حوت

سهم برازندهٔ پایتخت در جهاد علیه اشغال اتحاد شوروی

روز سوم حوت بیست و نهمین سالروز آغاز قیام شهروندان کابل در برابر اشغالگران اتحاد شوروی و رژیم وابسته به آن است، در این روز و چند پس از آن، هزاران کابلی بر فراز بام ها برآمدند و با سر دادن شعار الله اکبر اعتراض و مخالفت خویش را با اشغالگران و جنایت پیشه گان مزدور ابراز نمودند.

قیام سوم حوت، سهم وسیع شهرنشینان به ویژه شهروندان پایتخت را در جهاد و مقاومت به نمایش گذاشت. برخی گمان می کنند پایگاه جهاد علیه اشغال اتحاد شوروی و حزب کمونیست خلق، بیشتر در جامعهٔ روستایی افغانستان قرار دارد،

قیام شهروندان کابل با محور رهبری کنندهٔ تحصیل یافته گان و دانش آموزان، قیام شکوهمند شهروندان هرات در ۲٤ حوت همان سال و قیام های دیگر در سایر شهرها، نشان داد که جهاد افغانستان، هم در جامعهٔ شهری و هم در جامعهٔ روستایی از حمایت سرتاسری مردم افغانستان بهره مند است.

قیام سوم حوت دو ماه پس از تجاوز عساکر اشغالگر شوروی بر افغانستان، مخالفت شدید مردم را علیه اشغالگران و وابسته گان آن ها به نمایش گذاشت و به عساکر اشغالگر فهماند که آنها را به منظور دفاع از مردم افغانستان در برابر بیگانگان به کشور ما نیاورده اند، بلکه آن ها را برای کشتن مردم بی دفاع افغانستان آورده اند.

قیام سوم حوت در آغاز، تظاهرات علیه اشغالگران بود اما، به زودی در نتیجهٔ استفادهٔ نیروهای اتحاد شوروی و هواداران مزدور آن از سلاح و سرکوب خونین و بی رحمانه، تظاهرات تغییر شکل داد و مردم جهت دفاع به مراکز حکومتی یورش برده و سلاح به دست آوردند اما در آن جنگ نابرابر صدها تن جام شهادت نوشیدند.

اشغالگران و مزدوران آن ها توانستند، تظاهرات مردم کابل را به صورت بی رحمانه و خونین سرکوب کنند، اما این قیام توانست پیام جهاد و مقاومت مردم افغانستان را به گوشه و کنار کشور برساند، این قیام گام های مجاهدان را که در کوه پایه های غرور آفرین کشور مشغول مقاومت در برابر اشغالگران و مزدوران بودند و از وطن دفاع می کردند، استوارتر ساخت و چهرهٔ خون آشام دژخیمان رژیم را رسواتر گردانید.

سفر هالبروک و راهبرد جدید امریکا در مورد افغانستان

ابوبکر سبزوار



ریچارد هالبروک نمایندهٔ خاص ایالات متحدهٔ امریکا در امور افغانستان وپاکستان در هفتهٔ گذشته سفری به افغانستان داشت. وی در این سفر قبل از اینکه به دیدار آقای کرزی برود ابتدا با مسؤولین امنیتی افغانستان، مقامات نظامی ناتو، اعضای پارلمان و فعالان جامعهٔ مدنی در افغانستان دیدار داشت.

در دیدار با آقای کرزی که با تاخیر نیز صورت گرفت، هالبروک پیام شفاهی رئیس جمهور اوباما را به وی رسانید. به گفتهٔ سخنگوی ریاست جمهوری افغانستان، اوباما در این پیام یکبار دیگر حمایت امریکا از دولت افغانستان را به اطلاع کرزی رسانیده است. جالب است که قبلا گفته شده بود هالبروک حامل پیامی نیست و قصدش از سفر به منطقه، بررسی اوضاع است.

هالبروک از تصمیم کمسیون انتخابات مبنی بر تعویق انتخابات تا خزان سال آینده حمایت کرد اما گفته می شود که آقای احمدضیاء مسعود معاون اول رئیس جمهور، در دیدار با هالبروک از موقف جبههٔ متحد ملی مبنی بر مخالفت با تعویق انتخابات حمایت کرد و دوام حکومت فعلی بعد از ماه جوزا را مغایر با قانون اساسی دانست. وقتی هالبروک در این مورد موقف و نظر آقای کرزی را جویا شد وی گفت که او تا ماه اگست بر مسند قدرت باقی خواهد ماند. در شرایطی که امریکا در حال تجدید نظر در استراتژی خود در مورد افغانستان است، مخالفت در مورد یک مسالهء مهم میان شخصیت های اول و دوم این کشور، نشان از پیچیده گی وضع در افغانستان و در نتیجه مشکلاتی دارد که هالبروک به عنوان نمایندهٔ امریکا در افغانستان با آن روبروست.

آقای هالبروک از جمله شخصیت هایی است که قبل از تقرر اش به این سمت، از دولت افغانستان انتقاد کرده بود و به همین دلیل وقتی به عنوان نمایندهٔ ادارهٔ جدید قصر سفید در امور افغانستان و پاکستان برگزیده شد، این نگرانی بوجود آمد که شاید وی با ادارهٔ کرزی در افغانستان مشکل داشته باشد. هالبروک در کنفرانس مونیخ نیز از وضع در افغانستان ابراز نگرانی کرده بود اما در افغانستان و بدنبال ملاقات با کرزی او تلاش داشت تا نشان دهد که زیاد از وضع نگران نیست. او بار دیگر بر عزم متین امریکا برای کمک به افغانستان صحبت کرد اما به نظر رسد در شرایطی که امریکا در صدد است تا در مورد استراتژی خود در مورد افغانستان و پاکستان به بازنگری اساسی بپردازد، هنوز هم در رابطه به وضع در این دو کشور دچار سردرگمی است.

آقای کرزی بعد از شش سال کشتار و دستگیری غیرنظامیان بدست نیروهای خارجی، درصدد برآمد تا از این اقدامات انتقاد نماید. لحن انتقادی وی از این اعمال خارجیان را بسیاری حمل بر تلاش وی برای جلب آرای مردم در انتخابات آینده نمودند. انتخاباتی که بنظر می رسد در آن شانس آقای کرزی در پیروزی بسیار اندک است. ضرب الاجل آقای کرزی برای مراجعه به مردم در صورت دوام کشتار ها به پایان رسید و درحالیکه کشتار ادامه یافت، از جانب آقای کرزی آن اتفاق نیافتاد که جامعهء جهانی را به آن تهدید نموده بود.

کرزی در یک اقدام دیگر تهدید نمود که ما نیاز به طیارات نظامی داریم واگر امریکا در کوتاه ترین فرصت طیاره وسلاح سنگین در اختیار ما قرار ندهد، ما آنرا از جای دیگری بدست خواهیم آورد. منظور آقای کرزی از جای دیگر فدارسیون روسیه بود. امریکا به افغانستان طیاره نداد و کرزی از جای دیگری نیز این وسایل را بدست نیاورد.

> **گفت سفر هالبروک که در پیوند با تغییر راهبردی امریکا در مورد افغانستان و منطقه صورت گرفت موجب تحرکاتی هم در داخل وهم درخارج از افغانستان گردید و درعین حال برداشت های هالبروک از این سفر روی تغییر در راهبرد امریکا نقش مهم خواهد داشت**

آقای کرزی در مصاحبه با تلویزیون الجزیره از اختلاف نظر خویش با امریکا سخن گفت. وی قبلا تنش میان افغانستان وامریکا به یک زورآزمائی نرم و دوستانه تشبیه نموده بود که در آن سرانجام افغانستان پیروز خواهد شد.

در هالبروک ی‌آقاافغانستان به نقطه نظر های مخالفین سیاسی آقای کرزی هم گوش داد اما از آنچه که در ملاقات میان وی و کرزی در پشت درهای بسته صورت گرفت سخنی نگفت. او تلاش نمود تا در مقابل خبرنگاران با چهرهء مطمئن و مصمم برای کمک به افغانستان ظاهر گردد. می گویند زبان را خداوند برای این به دیپلومات ها وسیاستمداران داده است تا آنچه را که در دل دارند بوسیلهء آن پنهان کنند.

هالبروک در سفر به افغانستان و پاکستان، به نقطه نظر های رهبران دو کشور در مورد همدیگر گوش داد تا موارد اتفاق را از موارد اختلاف تشخیص دهد. هم کرزی و هم مقامات امنیتی افغان از مشکل مراکز تروریست ها در آنسوی دیورند سخن گفتند و برای تامین امنیت در افغانستان، از میان بردن مخفی گاههای طالبان در آنسوی مرز را کلید حل مشکل امنیتی افغانستان دانستند.

آنسوی مرز را کلید حل مشکل امنیتی افغانستان دانستند.

حکومت افغانستان در طول هفت سال گذشته تلاش داشت تا جامعهء جهانی را در مورد نقش پاکستان در گسترش ناامنی ها در افغانستان متقاعد بسازد. اسناد و مدارکی که در این مورد ارائه شد، واضح و روشن بود و حتی روزنامه های خود پاکستان هم در چنین موارد حقایق را کتمان نکرده اند اما تلاش کرزی برای متقاعد کردن ادارهء تندرو بوش برای فشار شدیدتر بر پاکستان و حتی حملهء زمینی بر مناطق قبایلی به جائی نرسید. ادارهء جدید در قصر سفید که بیشتر بر تفاهم و راهکارهای مسالمت آمیز با پاکستان می اندیشد، هرچند حملات بوسیلهء طیارات بدون سرنشین را بر آنسوی دیورند ادامه داده است اما به این راهکار هم توجه دارد که کمک اقتصادی و نظامی به پاکستان می تواند نتایج بهتری در مبارزه علیه تروریسم داشته باشد. در اهمیت دادن به نقش پاکستان در ناامنی ها این خطر هم وجود دارد که امریکا توجهی بیشتر از افغانستان به پاکستان نماید و حتی در مواجهه با تنگناها، بار دیگر از دید پاکستان به این مشکل بنگرد.

پس از دیدار کرزی با هالبروک اعلام شد که قرار است وزرای خارجهء افغانستان و پاکستان هم به امریکا بروند و در مورد تغییر در راهبرد ایالات متحده با آنها مشوره صورت گیرد.

هالبروک بعد از افغانستان سفری به هندوستان داشت. به نظر می رسد که در راهبرد جدید قصر سفید در مورد افغانستان، نقش همسایگان افغانستان و کشور های مهم منطقه هم مد نظر است. قبلا هالبروک گفته بود که باید ایران نقش فعال در زمینهء ایجاد صلح وثبات در افغانستان ایفا نماید و در مورد هندوستان هم سخنان مشابهی از وی شنیده شد.

بصورت کلی می توان گفت سفر هالبروک که در پیوند با تغییر راهبردی امریکا در مورد افغانستان و منطقه صورت گرفت موجب تحرکاتی هم در داخل وهم درخارج از افغانستان گردید و درعین حال برداشت های هالبروک از

په سوات او ملاکنډ کې د برلاسو طالبانو

له خپل دولت سره وروستۍ معاهده

شفیق



له قانوني پلوه دغه معاهده دومره وزن او معقولیت نلري؛ ځکه سره د دې چې د سرحد په ایالتي پارلمان کې د عوامي نیشنل پارټۍ برلاسي ده هغه چې د دې معاهدې یو پلوي سیاسي ګوند دی، د قانوني حیثیت پیدا کولو لپاره د سرحد پارلمان ته هم وړاندې نکړای شو او د یو قانوني چینل له لیارې تیر نشو

***

د بل پلوه د عدالتی نظام ټینګښت یوازې د شعار خبره نده، دغه کار داسې دیني پوهانوته اړتیا لري چې د دیني علومو ترڅنګه د قضاء او مرافعاتو په علومو کې مسلکي تجربه او د نوي عصر اړتیاوې هم درک کولای شي چې ښایي د طالبانو د خوځښت مشرانوته دا له ټولو ستر ګواښ وي

د تېرې دوشنبې په ورځ د سرحد ایالت په پېښور کې د سرحد د لومړي وزیر "میرحیدر خان هوتي" او د هغو د پنځو تنو نورو ملګرو ترمینځه په ملاکنډ ډویژن کې د طالبانو د راټوکیدلې خوځښت د دریو تنو استازو چې مولوي محمد عالم په کې د نفاذ شریعت د خوځښت د مشر مولوي صوفي محمد او په سوات کې د ناقرارو طالبانو د مشر مولوي فضل الله نمایندګي کوله، یوه معاهده لاسلیک شوه.

دغه معاهده چې په شپږو مادو مشتمله ده، بنیادي خبره په کې د ملاکنډ په پراخه سیمه کې .چې د دیر، سوات، بونیر او کوهستان منطقې په برکې نیسي .د اسلامي شریعت او عدالتي نظام قایمول دي، څو د طالبانو لوری په دې مکلف کول دي چې وسله په ځمکه کېږدي او د ډز بندۍ په نتیجه کې په عملي توګه سوله نافذه شي. د اسلامي شریعت او عدالتي نظام هیله د پاکستان د ټول ولس او په ځانګړې توګه د ملاکنډ د خلکو یوه پخوانۍ غوښتنه وه چې لامله یې نږدې شل کاله وړاندې د دیر په میدان منطقه کې د کمبړ مشهور

دیني عالم "مولانا صوفي محمد" یو خوځښت پیل کړی ؤ او د یادونې وړ ده چې دغه عالم او دهغه ګڼو شاګردانو د پخواني شوروي اتحاد پرخلاف په جهاد کې او بیا وروسته د افغاني طالبانو ملاتړ ته هم رادانګلی ؤ. مولوي صوفي محمد څه موده د پاکستان حکومت لخوا بندي شوی ؤ چې بیا د یو تړون له مخې آزاد شو. خو د جنرال پرویز مشرف د امریکا خوښونې او سیکولرو پالیسیو په نتیجه کې او په ځانګړې توګه د (۲۰۰۷) میلادي کال د جولايي په دریمه نېټه د پاکستان په پایتخت "اسلام آباد" کې د "لال جومات" د کلابندۍ او په نتیجه کې د پاکستاني پوځیانو لخوا په دغه جومات او په څنګ کې موجودې (حفصه) مدرسې باندې دیرغل او مرمیو ورولو په نتیجه کې د څه د پاسه زروتنو په شاوخوا کې د دیني علومو د زده کوونکو په شهادت رسولو سره، په ټول پاکستان کې او

په ځانګړې توګه په اتو قبایلي ایجنسیو کې .چې لا د مخه په کې د منځنۍ اسیا د اوړبکو په شمول د سیمې طالبانو خوځښتونه پیل کړي ؤ- او هم په سوات او کوهستانونو کې

د مولوي صوفي محمد او د هغه د زوم مولوي فضل الله لخوا د پاکستاني دولت پرخلاف پراخه پاڅونونه او وسله وال خوځښتونه شروع شو چې د افغانستان او پاکستان ترمینځه په پراخه پوله د طالبانو د عملیاتو لړۍ هم ورسره پیاوړې شوه او په دې سیموکې د امریکایي بې پیلوټه ځیرو د پرله پسې بمباریو په نتیجه کې د مرګ ژوبلو لامله، په پاکستان کې طالبانو او دولت مخالف خوځښتونو قوت وموندہ چې د ایجنسیو د ناکرارتیا وروسته د سوات او کوهستانونو ناکراریو هم د پاکستان دولت له یو لوي ګواښ سره مخ کړ؛ ځکه که څه هم څو ځله د دغو خوځښتونو او وسله والو مقاومتونو د له مینځه وړلو لپاره پاکستاني دولت هلته عملیات ترسره کړل خو په ځواب کې یې د څه مودې راهیسې د ښوونځیو د سوځولو لړۍ روانه وه چې لامله یې د ښوونې او روزنې پروسه په ټپه ولاړه وه. نو د پاکستان دولت یو ځل بیا د ډانګ او پړانګ ترمینځه قرار وموندہ؛ ولې چې له یوې خوا پاکستاني دولت د امریکا د مرستو لاسته راوړلو لپاره لیواله دی او له

بلې خوا د طالبانو د عملیاتو په نتیجه کې په دغو سیمو کې امن تالاترغۍ کیندل او د دوه سوو په شاوخوا کې د تعلیمي ادارو سوځیدل یو لوي زیان دی چې پاکستاني دولت ورسره مخ کیږي. هغه کار چې د پاکستان دولت یې د طالبانو د غوښتنو منلوته اړ کړ او له بل پلوه د امریکا د نوي ولسمشر "باراک اوباما" لخوا په سیمه کې د نوې استراتیژۍ د پلي کولو ګواښونو .چې له مخې یې ښایي د هغې جګړې نوعیت او لوری بدل کړي، چې په سیمه کې یې امریکا د ترهګرۍ پرخلاف پر مخ بیایي .پاکستاني دولت له تشویش سره مخ کړی دی، نو ځکه یې داسې اقدام وکړ چې د دولت په پرتله د طالبانو موفقیت ډیر ښایي؛ ځکه دا ډول معاهده لاسلیک کول د دولت کمزوري او د دولت مخالفو طالبانو برلاسي او سیاسي تفوق په ګوته کوي.

پاتې شوه دا خبره چې آیا د دولت لوری به په دې معاهده څومره ځان مکلف وګڼي، دا به د پاکستان ولسمشر لخوا د توشیح وروسته په ډاګه شي. خو د طالبانو لوري ته په هر حال

موفقیت دی؛ ځکه د، لومړی ځل دی چې د طالبانو او دولت مخالف خوځښت پرته په سیمه کې د برلاسي سیاسي ګوندونو، لکه عوامل نشنل پارټۍ او نورو استازي هم په کې ناست ؤ او که چیرې د معاهدې د موادو په تطبیق کې په سیمه کې خواکمن ګوندونه، لکه: جماعت اسلامي (چې په ملاکنډ بونیر او دیر کې پراخه نفوذ لري)، عوامي نیشنل پارټي (چې په سوات او بونیر کې نفوذ لري) او هم جمعیت العلماء (چې په کوهستانونو کې نفوذ لري) همکاري وکړي نو دغه پریکړه به په سیمه کې د اسلامي شریعت غوښتونکو اسلامپالو او په ځانګړې توګه د طالبانو د خوځښت لپاره د کامیابۍ یو موډل (نمونه) وي چې ښایې قبایلي ایجنسیو او د پاکستان نورو ایالتونو او سیموته هم وغزیږي.

خو دلته یو شی د یادونې وړ دی چې له قانوني پلوه دغه معاهده دومره وزن او معقولیت نلري؛ ځکه سره د دې چې د سرحد په ایالتي پارلمان کې د عوامي نیشنل پارټۍ برلاسي ده هغه چې د دې معاهدې یو پلوي سیاسي ګوند دی، د قانوني حیثیت پیدا کولو لپاره د سرحد پارلمان ته هم وړاندې نکړای شو او د یو قانوني چینل له لیارې تیر نشو. د بل پلوه د عدالتی نظام ټینګښت یوازې د شعار خبره نده، دغه کار داسې دیني پوهانوته اړتیا لري چې د دیني علومو ترڅنګه د قضاء او مرافعاتو په علومو کې مسلکي تجربه او د نوي عصر اړتیاوې هم درک کولای شي چې ښایي د طالبانو د خوځښت مشرانوته دا له ټولو ستر ګواښ وي، البته که جماعت اسلامي ورسره په دې هکله مرسته وکړي نو بیا د دې پریکړې د کامیابیدو چانس ډیر دی او ښایي د کامیابۍ په نتیجه کې د طالبانو یوه لاسته راوړه وګڼل شي. خو بل پلوته د امریکا سپینې ماڼۍ او تر دې چې په پاکستان کې د انګلستان یو مسؤول مقام د دغې معاهدې په اړه له اوسه خپلې اندیښنې او مخالفت څرګند کړی چې ښایي دغه ټکې د پاکستان د دولت او امریکا په اړیکو هم اغیز وکړي. همدارنګه له بل پلوه د امریکا د بې پیلوټه ځیارو هغو پرله پسې بمباریو لامله هم د پاکستان د حکومت اړیکې له امریکا سره خړې شوی دي چې په قبایلي ایجنسیو کې د اوړبکو په مرکزونو یې کوي او عام وګړي په کې هم تلفات ګرځي. په داسې حال کې چې د پاکستاني دولت له خپلو طالبانو سره د سولې لپاره غوره کول او دا ډول معاهدې کول د هغوي داخلي مسئله او خپل حق دی خو که د دغې معاهدې په نتیجه کې چې دواړو لوریوته د آرام ساه اخستلو یو ښه فرصت دی، پاکستاني طالبان د افغانستان سیموته مخه کړي نو بیا په پاکستاني دولت باندې د نړیوالو نیوکې او هم د افغانستان د دولت لخوا دغې معاهدې ته په احتیاط سره کتنه پرځای ده؛ ځکه که پاکستان په خپلو سیمو کې امنیت غواړي نو باید د ګاونډیو د امنیت او سولې ته د ګواښونو د راولاړیدو مخه هم باید ونیسي، ورنه هر څوک حق لري چې په خپلو سیمو کې د خپلې ایډیالوژۍ او خوښې سره سم نظام تطبیق او یا یې غوښتنه وکړي.

حماسهٔ سوم حوت ...

مخالفین را سرکوب ساخته و هرگز از کشور اشغال شده برنگشته است! قوای شوروی یک اردوی شکست ناپذیر و همیشه فاتح خوانده می شد که هیچ نیرویی توان مقابله و ایستادگی در برابر آن را نداشت ...

با یورش اردوی شوروی، کارتر، رئیس جمهور امریکا اعلام کرد که شوروی ها نباید بیش از این قدم پیش گذارند. یعنی به سرزمین های دیگر پیشروی نکنند. امریکا باور نداشت که مردم افغانستان در برابر شوروی قیام می کنند و قیام این مردم سلحشور بر ضد رژیم های وابسته به شوروی پس از تهاجم شوروی به قیام سراسری و بزرگ مبدل خواهد شد و در نتیجه اسباب فروپاشی نظام شوروی را آماده خواهد ساخت و ده ها کشور به استقلال خواهند رسید...

مردم کابل با دست های خالی در شرایطی قیام نمودند که عظمت و ابهت شوروی دنیا را فراگرفته بود و بزرگترین قدرت های استعماری جهان در برابر شوروی توان مخالفت عملی را نداشتند این مردم به پاخاسته و دلیر، بی هراس از قدرت بزرگ نظامی شوروی، بر پایگاه ها و مأموریت های پولیس یورش بردند و مسلح شدند و در یک جنگ کاملاً نابرابر در برابر تانک ها وزرهپوش های شوروی قرار گرفتند و صدها تن از قیام کنندگان سرفراز به دست جلادان تاریخ به شهادت رسیدند.

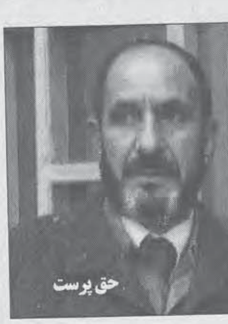
در شب سوم حوت مردم کابل به پشت بام ها بر آمدند و با سردادن نعره های تکبیر، همراهی و همسنگری شان را با مجاهدان سنگرهای عزت و شرف، ایمان و آزادی به نمایش گذاشتند. این صداها و فریادها، بیانگر خواست و ارادهٔ مردمی بود که یورش اجنبی و حاکمیت مزدوران آن را نمی پذیرفتند و رد می کردند و در حقیقت رفراندمی بود واضح و آشکار که مردم افغانستان نه تجاوز گران خارجی را می پذیرند و نه چاکران داخلی شانرا قبول دارند.

قبل برآن گفته می شد که جهاد فقط در اطراف و کوه پایه ها و مناطق سرحدی جریان دارد و مردم شهرها و به خصوص شهر کابل با جهاد گران همنوایی ندارند و در برابر هجوم شوروی بی تفاوت می باشند و یا از رژیم های کودتایی و تحت حمایت متجاوزین، پشتیبانی می کنند ولی قیام سوم حوت به وضاحت و صراحت نشان داد که مردم شهرها و به خصوص شهر کابل مردم متدین و ضد کفر و الحاد اند و در برابر متجاوزین خارجی مانند نیاکان خویش قیام می کنند و حماسه ها و افتخارات بزرگ می آفرینند.

یاد شهدای گرانقدر سوم حوت گرامی باد

روایت گران رستاخ


انجنیر عبدالقدوس


حق پرست


سلطان محمد اورن

فضل الکر

ما گروهی موظف شدیم تا فوتو های استاد

**

آقای ح

قیام حوت یک برنامه پلان ش

**

انجینرغلام س

قیام سوم حوت ثابت نمود که جهاد بر ضد اشغال از د

**

انجینر عبد

مجاهدین تنها ایمان قوی، توکل ب

**

سلطان محمد اورنگ

کمونیست ها فکرمی کردند که کابل خانهٔ امن برای ماست اما ق

مسلمان افغ

**

جهاد مردم افغانستان دربرابر تجاوز قشون سرخ شوروی با ابعاد گستردهٔ سیاسی و نظامی اش نیاز به تحلیل وارزیابی و بیشتردارد. اماآنچه که روند جهاد ومقاومت را دربرابراین تجاوز به مرحلهٔ همگانی و حساس رساند همانا قیام های مردمی بودکه درهرگوشه وکنار کشور به ویژه شهرهای بزرگ آغاز گردید. تکان دهنده ترین این قیام ها آن هایی است در شهرکابل قلب رژیم رخ داد و پایه لرزان آن را لرزان تر کرد.

یکی ازاین قیام ها، رستاخیز سوم حوت درکابل بودکه روند مبارزات مردم را شدت بخشید ودرنتیجه برای عموم مردم خطر اشغال وتجاوز را هرچه بیشترآشکار ترساخت.

این که دراین روزتاریخی چه اتفاقی افتاد ومردم چگونه دست به قیام زدند وچه خاطرات جالبی ازاین روزخاطره ها تا هنوز باقی مانده است؟ به همین مناسبت هفته نامه مجاهد گزارشی را اززبان شاهدان آن رویداد تهیه دیده است که باهم می خوانیم:

فضل الکریم سادات که درآن زمان خود حضورفعال دربسیج مردم داشت درمورد قیام ۳حوت می گوید انگیزه هایی برای قیام دربین مردم وجود داشت اما این که در رهبری این قیام کدام جریان قرارداشت، بدون شک نهضت اسلامی که متشکل ازجمعیت اسلامی وحزب اسلامی بود مشترکاً دررهبری این قیام نقش داشتند.

آقای سادات علاوه می کندما گروهی موظف شدیم تا فوتو های استاد ربانی را در مناطقی از شهرخاصتا کارته پروان نصب کنیم من شخصاً عکس های استاد ربانی را جهت تبلیغات درهمان شبی که فردای آن قیام صورت می گرفت به دیوارها می چسپاندم، ما را دستور داده بودند که از سرش کاهی استفاده کنیم ولی من به جای آن از سرش کشف دوزان استفاده کردم، این فوتو ها را برای آن نصب می کردیم تامردم بادیدن تصویری ازرهبرشان نشانه های انقلاب وامید را دردل هاش احساس کنند. وی علاوه نمود: چهارنسخه ازکتاب بنام "چه نوع مبارزه" نوشتهٔ استادربانی برخی اوراق تبلیغاتی مانند شب نامه ها چند روز پیش ازقیام، به ما درمسجد کارته پروان دهن نل رسید وگروهی که باما درارتباط بودند به دست رس آنها قراردادیم که توزیع این اوراق نقش عمده درآگاهی مردم داشت.

آقای سادات افزود: خوب به یاد دارم شام، سوم حوت آن سال پس از ادای نماز شام به دوستان و افراد مورد اعتماد گفتم که امشب همه از پشت بام ها الله اکبر می گوییم، همان بود که حوالی ساعت هفت ونیم و هشت شب، صدای الله اکبر از یکی از خانه های نزدیک مسجد دهن نل بلند شد ابتدا این صدا بسیار خفیف بود و آهسته آهسته قوت گرفت وعمومی شد.

آقای حق پرست درآن زمان عضوشورای رهبری هسته جمعیت در کابل ومسؤول حوزه دوم شهرکابل بوده ، روایت خودرا ازقیام سوم حوت چنین بیان می کنند: " قیام حوت یک برنامه پلان شده ازسوی رهبری جهاد بود همزمان باشروع نعره الله اکبراین صدا همه گیرشد وهرکس سربام خانه خود می برآمد وتکبیرمی گفت.این صدا چنان دشمن رابهت زده وحیران ساخته بودکه حتی کسانی که ازلحاظ ایدئولوژیکی سخت وابسته به حاکمیت آن وقت بودند نیز بامردم یکجا" الله اکبر"می گفتند.

انجینرغلام سخی "مؤمن" شخصیت دیگری که درصحنه حضورداشت راجع به انگیزه های اساسی قیام حوت می گوید: بدون شک کمونست های افغانستان جهاد مردم افغانستان را وابسته به دنیای غرب میدانستند ودلیل می آوردند که ما دربرابراین روند مقاومت می کنیم، اما قیام سوم حوت ادعاهای آنهارا غلط ازآب درآورد و مردم کابل با قیام که دربرابرتجاوزقوای اشغال گروحکومت دست نشانده شوروی انجام دادند ثابت نمودند که جهاد بر ضد اشغال از درون ملت افغانستان ناشی شده است نه از بیرون آن. آقای مومن درارابطه به این که این قیام چگونه شروع شد وسمت سوی حرکت مردم به کدام طرف بود، می گوید: ساعت هشت شب همان روزبرادرانی که وظیفه راه اندازی قیام را داشتند تا در تقاطی از شهر توظیف شده بودند. من درگولایی خیرخانه برادرهارون وآقای حکیمی درقلعه نجارا برخی درحصه های اول ودوم خیرخانه ساعت هشت شب قرارگذاشته بودیم که سربام ها برآییم والله اکبربگوییم که الحمدلله این برنامه شروع شد ودرادامه این حرکت تمام مردم بالای بام خانه شان برآمدند وبا این پیام ماکه درواقع پیام خدا بود لبیک گفتند. وحتی من بیاد دارم که یک همسایه ما کمونیست بود وسخت ضد مجاهدین بود کله خودرا ازپنجره بیرون کشید وچند باراالله اکبرگفت ودروازه را دوباره بست. این شلیک ها بدرقه شد باصداهای شلیک توپ وتفنگ دشمن که آنها فکرمی کردندکه با این فیرها مردم را می ترسانیم ودوباره به خانه شان ازترس پناه می برند، اما با این شلیک ها نه تنها صدای الله اکبر خفه نشد بلکه شدید ترنیز شد.

واقعاً وقتی صدای الله اکبربا غرش شلیک های مذبوحانه دشمن همراه می شد تصویری هیجانی واحساس برانگیزی برای مردم مقاوم رخ می داد برای آنانی که دربطن حادثه قرارداشتند. اما این که رزمندگان آن روز این صحنه هارا چگونه حس کردند بازهم آقای "مؤمن" می گوید:مردم درآن وقت هیچ بیمی ازشلیک دشمن نداشتند برای ما جالب وخیلی لذت بخش این بودکه چگونه مردم باسردادن ندای ملکوتی الله اکبرخشم وانزجارخودرا دربرابراشغال وتجاوز به نمایش می گذاشتند.

• بدون شک درروزگاری که کشورمورد تجاوزقرارگرفت، مردم افغانستان بادستان خالی اما با اتکا به خداوند لایزال وایمان وعقیده راسخ دست به قیام زدند از استبداد حاکمیت کمونیستی نیز به ستوه آمده بودند و تجاوزعلنی شوروی ها به کشور این انزجار را بیشتر کرد، شرایط قیام وحرکت را برای مردم آماده ساخت.

انجینر عبدالقدوس که درآن زمان دانشجوبود وعملاً درسازماندهی قیام سهم گرفته بود درپاسخ به سوالی که درآن شرایط چه توانایی های برایی قیام وجود داشت دید گاه ها و خاطرات خودرا چنین بیان می کند: بدون شک مجاهدین افغانستان درآن شرایط ازظرفیت های مادی مانند سلاح چیزی دردست نداشتند چیزی که انقلابیون دراختیارداشتند جزایمان قوی وتوکل به خدای یکتا وعزم واراده راسخ چیزی دیگری نبود.

به همین سبب جوانان مربوط به جمعیت اسلامی افغانستان وسایر برادرها درنقاط مختلف کابل چون خیرخانه ، کارته پروان ، دانشگاه کابل، قسمت های دیگر شهر مانند پل باغ عمومی ... حوزه های کاری خود را داشتند ودرسازماندهی مردم نقش بسزای گرفتند. وقتی آواز الله اکبر بلند شد و قیام شروع شد چون مردم همه مسلمان بودند با این حرکت یک جا شده درقیام سهم فعال گرفتند.

آقای مهندس عبدالقدوس ازیک خاطره جالب وماندگارشان ازآن روزها می گوید: شب قیام سوم حکومت درلیلیه مرکزی بودم وقتی مردم دست به تظاهرات زدند وهمه درخیابان ها ریختند من کسی را دیدم که نرس دکتر شفاخانهٔ علی آباد بود که یک گروه ازبچه های خورد سال را که شاگردان مکاتب بودند رهبری می کرد وبیرق جمعیت اسلامی را دردست داشتند وقتی طیاره های دشمن برفراز آسمان دانشگاه کابل پروازمی کرد ومردم را به رگبارمی بست این شخص باایمان بچه هارا درزیر سنگی بزرگی پنهان می کرد. اما وقتی هلیکوپترها می رفت دوباره این ها اززیرسنگ می برآمدند و درخیابان شعارمی دادند. یک تعداد ازمردم بخصوص جوانان خودرا بابیرق به مسجد پولخشتی رساندند وتعداد زیادی مردم شهید شدند بیشترین تلفات را در نزدیکی دانشگاه،کارتهٔ سخی وبعد پل باغ عمومی دادیم دراین نفیر عام همهٔ مردم به خصوص جوانان نقش عمده را داشتند.

سلطان محمد اورنگ عضوشورای ملی ویکتن ازجوانان فعال آن روزگار ازقیام سوم حوت چنین تصویری ارائه می کند: سوم حوت یک رستاخیزمردمی تحت رهبری نهضت اسلامی افغانستان بود. وپیامد این قیام این بود که حرکت مردمی را دربرابرروسها وعمال داخلی شان سرتاسری ساخت وجنبش ازکوه ها ودهات به داخل شهرها دربیخ گوش نظام کمونستی راه یافت. این جا بود که ترس و وحشت نظام دست نشاندهٔ کمونیستی وباداران آنهارا فراگرفت ومقاومت ابعادی تازه به خود گرفت.

آقای اورنگ دربارهٔ ادامهٔ این قیام و میزان تلفات مبارزان می گویند: اما قیام سوم حوت پنج روز ادامه پیدا کرد ودراین مدت صدها انسان بی گنا ه به خا ک خون غلطیدند.

قیام سوم حوت یک پیام داشت واین که کمونیست ها فکرمی کردند که، کابل خانهٔ امن برای ماست اما قیام نشان دادکه کابل نیزمانند سایرولایات افغانستان خانهٔ مردم مسلمان افغانستان است.

این یک حقیقت است که مردم افغانستان با عقیدهٔ راسخی که داشتند درمخالفت بانظام سیاسی مزدور تنها ازمتن دانشگاه ها نه بلکه ازخانه خانه وکوچه کوچه دست به قیام زدند و دین ملی ووجیبه دینی خودرا ادانمودند.

آقایی به نام سید تاج الدین در سرک چهار دانشگاه مسجدی داشت ما روزهای جمعه به مسجدش می رفتیم کتاب"محمد درشیرخوارگی" را تشریح می کرد.درآن زمان تشریح این کتاب بزرگترین درس برای آزادی وآزادمنشی بود بچه های دانشگاهی با الهام ازاین انگیزه برای قیام تشجیع می شدند.

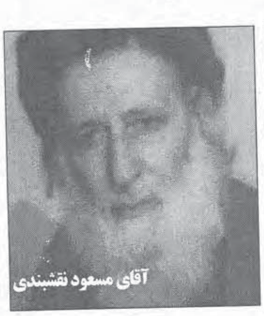
زیرا پیامبر ما یک مرد انقلابی

یز سوم حوت ۱۳۵۸





انجنیر غلام سخی



آقای مسعود نقشبندی



فضل الکریم سادات

یم سادات:

ربانی را در مناطقی از شهرخاصتا کارته پروان نصب کنیم

**

ق پرست:

ده ازسوی رهبری جهاد بود

**

خی "مؤمن":

رون ملت افغانستان ناشی شده است نه از بیرون آن

**

القدوس:

ه خدا و عزم و ارادهٔ راسخ دارند

**

عضو شورای ملی:

یام نشان دادکه کابل نیزمانند سایرولایات افغانستان خانهٔ مردم انستان است

**

بود دربرابر مستکبرین زمان خود سکوت نکرد و زنجیرهایی را که با آنها دستان توده های مظلوم بسته شده بود شکستاند.

نقش استادان دانشگاه ودانشجویان اعم ازدختروپسر دراین جنبش خیلی ها برجسته واثرگذار بود. برای همین شما می دانیدکه به فرمان حفیظ الله امین وزارت داخلهٔ وقت فهرستی را صادر می کند که شامل ۱۲۰۰۰ انسان می شود و اعتراف می کند که آنان را کشته اندکه بیشترین این تعداد از دانشگاه ها و مکاتب بودند این ارقام نشان می دهد که دانشجویان پیش تاز حرکت های آزادی بخش در افغانستان بودند.

پیش ازقیام سوم حوت درزمان رژیم داود خان نیزحرکت ها صورت گرفت که بیشترین قربانی را محصلان ومتعلمان دانشگاه ومدارس دادند.

باآنکه درآن زمان نهضت درمیان مردم خوب معرفی نشده بود اما احساسات دینی ومهینی بچه های جوان را وا می داشت برای نجات کشوردست به قیام بزنند.

آقای مسعودنقشبندی که درآن زمان مسؤولیت تبلیغات و فعالیت های فرهنگی جمعیت در کابل را به عهده داشت می گوید: این یک حقیقت مسلم است که درجهان هیچ تحولی به وجود نیامده وهیچ انقلابی به ثمر نرسیده تا این که پای اندیشه یی درمیان نبوده باشد. درقبال تحولات بزرگ جهان مصداق خوبی دارد.

آقای نقشبندی راجع به فعالیت های فرهنگی شان می گویدکه چگونه توانستند با امکانات اندک، اما اثر گذار پیام جمعیت اسلامی را در آن روز درمیان توده های مردم برسانند وی اضافه می کند: درخانه ما یک ماشین تایپ بود که بااستفاده ازآن وبا همکاری خواهرم حمیده وشوهرش رضاعلی شغنانی، مطالب مربوط به جمعیت ازجملهٔ نشریه نبرد حق تایپ می گردید وبه دست خوانندگان قرارداده می شد.

وی می گوید ما درشب قیام سوم حوت صدها قطعه عکس و شب نامه را درمیان مردم پخش کردیم .

از او پرسیدم از آن روز چه خاطره یی دارید؟ او پاسخ داد همان طوری که گفتم خانه ما محل تجمع افراد مربوط به جمعیت اسلامی وهمچنان حیثیت مخزن موادفرهنگی وتبلیغاتی را داشت ، روزی ازپنجره نگاه کردم که چندموترمربوط به خادیست ها درپیش دروازه ما ایستاده است ودروازه را زدند ، من ازخانه بیرون نرفتم وهمسایه یی خودرا که درآن زمان داخل حویلی بود فرستادم تا بداندکه برای چه آمده اند؟

تمام اسناد موجود را درکارتن جا به جاکردم و از روی آن پیاز و کچالو ریختم اما وقتی همسایه برگشت دست هایش می لرزید وگفتم چه گپ است؟ گفت: خادیست ها هستند اما ناگهان همه رفتند و داخل خانهٔ ما نشدند که این خوبترین خاطرهٔ بین مرگ و زندگی من است .

انجینرعبدالقدوس از خاطرات خود می گوید: من یکی ازروزها همراه با جنرال عبدالجلال وظیفه داشتیم که نشریهٔ سنگررا به خیرخانه ببریم وازآن جا درمیان مردم توزیع نمایم.تصادف نشریه سنگرآمد و آن دریک بکس انداختیم و رفتیم طرف ده افغانان ودرایستگاه منتظرماندیم تاموتربیاید وبرویم اما هرچه انتظارکشیدیم موترخالی پیدانشد تصادف سرویسی آمد که مملوازسواری بود.

من وجنرال عبدالجلال دروسط سرویس سرپاماندیم مردی که ظاهراً قیافه های خادیست ها را داشت وشکل ظاهری وی بایک کمونیست سرسخت می ماند ازما خواهش کردتابکس ما را بگیرد درمیان ترس وامید بکس را به وی دادیم اوآن را با احترام سرزانو های خود ماند وبعد ازطی مسیر دوباره ازوی گرفتیم وتشکری کردیم پیاده شدیم و با خود گفتم با این کارمواد ضد رژیم را توسط طرفداران آن انتقال دادیم.

آقای غلام سخی با ذکرخاطره یی جالب خود می گوید: خداوندمغفرت بکند شفیق سلجوقی را من واو درگولایی خیرخانه منتظر موتربودیم ودرجیب وی شب نامه بود.درهمین حال یکی ازبچه هایی که درخاد بود وهمیشه باوی جنجال داشتیم ازپیش روی ما آمد وبدون مقدمه من را زد وگفت: بیایید که برویم حوزه پیش من چیزی نبودٌ امابه خاطر شفیق برای اولین بارزناق یک نفررا گرفتیم وعذرکردم وبه طرف حوزه می رفتیم من نمی دانم کدام گپ من دروی اثر کرد که به چند متری حوزه وقتی رسیدیم ما را رها کرد وگفت بروید دیگر این کارها را نکنید.

آقای اورنگ ازخاطراتی که درآن نصرت وکمک خدا را به چشم سردیده است یاد می کند ومی گوید: برای نخستین بارنشرات مربوط به ما مانند نشریه مجاهد ومجله میثاق خون ... به مارسید وخواستیم به اتاق خواجه شکرالله صدیقی بروم واین اخباررا توزیع کنیم وسرمطالب به بحث وگفتگو بنشنیم. وقتی بدان جا رسیدیم دیدم که درآنجا یک پرچمی است که من قبلاً اورا می شناختم اما من دوباره برگشتم چمدانی همراهم بود وقتی درمسیرراه بودم دیدم که درمقابل شفاخانهٔ نورافراد خادپنج هم ایستاد بود ودرعین حال موترگزمهٔ پلیس هم رسید درنزیک من ایستاد کردند وپرسان کردند که کجامی روی؟ گفتم: دانشگاه می روم اما موترپیدانمی شود.

گفتند ما سرای غزنی می رویم ترا می بریم وقتی درموترپلیس بالاشدم افسر پلیس باچند نفرسربازسوارشدیم وتادهمزنگ هرموتری که ازپیش روی مان می آمد سواری هارا ایستاد می کردوتلاشی می کردند وحتی می دیدم که جراب پای آنهارا نیزتلاشی می نمودند وقتی به لیلیهٔ مرکزی نزدیک شدم می دانستم که ازطرف شب بچه های مربوط به حزب خلق وپرچم پاسداران وگزمه می کردندبناً من ازآنها پرسان کردم که کجا می روید؟ گفتند: تانگ تیل کوتهٔ سنگی گفتم من هم همراه شما می روم چون آنجا کاردارم، بکس م را شب درخانهٔ خواهرفضل احمد عظیمی که اکنون معین وزارت عودت مهاجرین است ماندم وبدین ترتیب کمک خدارا درآن شب مشاهده کردم.

خاطرهٔ دیگری، درچهار راه کارتهٔ پروان ازخانه یک هم صنفی هم بنام عبدالخالق ترابی که حالا درامریکا می باشد می آمدم درداخل کتابچه ام شماری از شب نامه و تعرفه برای کسانی که به جبهه ها می رفتند وجود داشت در چهار راه با کسانی سرخوردم که مربوط به خاد بودند و همه را تلاشی می کردند وقتی طرف من نگاه کردند گفتند دل آدم می شود که این را تلاشی کنیم بگذارید برود!

ازآقای اورنگ پرسیده شد بفرمایید ازکسانی نام بگرید که درقیام سوم حوت نقش اساسی داشتند وامروزدربین مانیستند وبه جاویدانگان پیوستند نام ببرید؟ او گفت:کسانی زیاد دراین حادثه تاریخی نقش داشتند از آنجمله می شوداز سیدآقای کشوری شهید، ماموراکبرعطایی شهید، مدیرعطاء محمد لوگری شهید، انجینرعبدالحی قندهاری شهید، قاضی بسم الله جرأت شهید (پدرجنرال جرأت) خلیفه امرالدین شهید، گل آغافدایی شهید، محمد شفیق سلجوقی شهید، ضابط نعیم شهید، نام برد.

همین طورازکسانی که اکنون درقیدحیات اند می توان ازعبدالودود نایل لاجوردین شهری ، چهره فرهنگی که بیشترکارهای فرهنگی ما را ترتیب وتنظیم می کرد عبدالودود ثابت، قاضی عبدالرؤوف ، انجینرعبداللطیف ، قاری شریف جویا، جنرال عبدالجلال ، دگروال سیدمحمد فایز،بازمحمد از بهارک بدخشان، داکترحقبین، حق پرست، استاد شاداب، و عظیمی صاحب و ...نام برد.

قابل یادآوری است که قاضی محمد عظیم جلیلی خودش وتمام اعضای خانواده اش به شمول خانم ودخترانش درگروه فداکارمجاهدین بودند وخانهٔ آنها حیثیت قرارگاه مجاهدین را داشت.

آقای اورنگ وقتی ازخانم ها نام برد، از او پرسیده شد، بیشتر نام ببرد، وی گفت: خواهرانی که درآن وقت دردانشگاه فعال بودند زرغونه دخترقاضی جلیلی همسرقانونی صاحب که درآن زمان یکی ازجوانان فعال نهضت اسلامی بود ، بانوی دیگرازچاه آب خواهر برادر عبدالخالق بودکه درآن زمان در دارالمعلمین سید جمال الدین درس می خواند این ها همه باهم دوشادوش یکدیگرکارمی کردیم.

استادان دانشگاه مانند ذبیح الله التزام ، اسلام الدین ساویز،عبدالعزیزفروغ، پوهاند اشرفی ازلوگر،عبدالمطلب صمدی ومرادعلی اثیر...اینها کسانی بودند که باشاگردان شان یکجا درسازماندهی نهضت اسلامی و انقلاب به عنوان چهره های برجسته انقلاب اسلامی نقش ایفاکرده اند.

ازآقای اورنگ پرسیده شد نقش اعضای جمعیت اسلامی افغانستان را درقیام سوم حوت چگونه ارزیابی می کنید؟ اضافه کرد: بدون شک اعضای جمعیت نه تنها درقیام حوت نقش رهبری کننده را داشتند بلکه درحرکت هایی چون چنداول، قیام بالاحصار ، و۲۴ حوت ۱۳۵۷ که رهبری آن را درکابل انجینر صفرمحمد شیون به عهد داشت نقش وسهم برجسته وبرازنده داشتند.

تاخیر انتخابات

اقدام دیگری بسوی بی ثباتی در افغانستان

دکتور ع. خلیل هدف



اساسا فلسفهٔ وجودی انتخابات در دموکراسی معاصر بخاطر مشروعیت بخشیدن نظامهای سیاسی وایجاد امنیت برای کشورها وملتها تجویز گردیده است، اما با تأسف چنین به نظر می رسد که انتخابات در کشورما به عامل تشدید بحران وادامهٔ بی ثباتی وعدم امنیت مبدل گردیده است.

فیصله نامهٔ بن آخرین پلهٔ نردبان نظام سیاسی افغانستان بعد از یازدهم سپتامبر را اجرای انتخابات عمومی مبتنی بر قانون اساسی در نظر گرفته بود که بایست با رسیدن به این پایه مشروعیت نظام سیاسی تکمیل می گردید وبا عبور از این مرحله در راستای استحکام امنیت وباز سازی ورفاه مردم کار صورت می گرفت ولی در نتیجهٔ عدم کارآیی دست اندر کاران دولت افغانستان وهمچنان عدم جدیت وشفافیت برنامه ها وعملکرد های جامعهٔ جهانی اوضاع کشور ما با گذشت زمان در عرصه های گوناگون رو به وخامت گذاشت وهمه فرصت های دست داده وملیاردها دالر بمصرف رسیده به حساب افغانستان بجای اینکه آبادی وآرامی را به این کشور برگرداند، وضعیت را بد تر ساخته است. تا آنجا که همهٔ ناظران داخلی وخارجی، دستگاههای دولت افغانستان از رده های بالا تا پایین وشرکای بین المللی نظام سیاسی موجودهٔ افغانستان پیهم از گستردگی فساد اداری، ناتوانی وبی کفایتی ارگانهای دولتی ودر نتیجه از وخامت اوضاع امنیتی وگسترش فقر وبیچارگی اکثریت قاطع مردم افغانستان سخن می گویند وملامتی نا بسامانیها را یکی بالای دیگری حواله مینمایند! در حالیکه همین اطراف وجوانب نامبرده خود عامل مستقیم وغیر مستقیم این اوضاع واحوال به حساب می آیند. به سخنی دیگر همین دستگاههای دولتی وشرکای خارجی آنها که بر زمین وفضای افغانستان فرمان می رانند در پیشگاه مردم افغانستان مسئولیت گسترش بحرانهای گوناگون را در این کشور برعهده دارند که باید جوابگو باشند، زیرا آنها خود تهیه کنندهٔ قوانین واجرا کنندهٔ برنامه ها میباشند، اینها به قول معروف «خود کوزه وخود کوزه گر وخود گل کوزه» هستند، بناء باید جوابگوی بافته ها وساخته های خود باشند که روزی می بافند ومی سازند وبعدا آنرا با دست خود می شکنند ولی اکثریت مردم بی چاره وبی دفاع قربانی ناتوانی همراه با خود کامگی این دستگاهها میگردند؟!

بارز ترین موردی که بدون موجب سبب تشدید بحران در جامعهٔ (از قبل بحرانی) ما گردیده، اعلان تاخیر موعد انتخابات است که از جانب کمسیون برگزاری انتخابات وحکومت تجویز گردیده که با تأسف از همین اکنون دغدغه ها واثرات منفی این اقدام آغاز گردیده ویقینا دامنهٔ آن در آینده گسترش خواهد یافت. سوال در اینجا است که چه ضرورتی بود تا در وضعیت بحرانی کشور، بحران جدیدی ایجاد گردد که در سطح داخلی وخارجی مشروعیت نظام را مورد سوال قرار داده وپایه های لرزان آنرا بیشتر متزلزل سازد؟ نه تنها این، بلکه این اقدام نا سنجیده عملا امیدهای مردم بیچاره وستمدیدهٔ افغانستان را نسبت به مشروعیت وامنیت در کشور شان به یأس و نا امیدی مبدل ساخته وجناحها وگروه های مخالف نظام وهمکاران شان را در تشدید بحران وگسترش نا امیدی وبی باور ساختن آحاد ملت بیشتر تشویق خواهد نمود.

اساسا دلایل دست اندر کاران نظام مبنی بر تاخیر موعد انتخابات هرچه بوده باشد نمی تواند در برابر اثرات منفی وعواقب ناگواری که این اقدام بار آورده وبار خواهد آورد موجه قرار گیرد.

نخست اینکه: این اقدام از نظر اکثریت مردم ومراجع مسئول دولتی نقض صریح قانون اساسی است که با همه کاستی هایش بحیث یگانه سند ومرجع مشروعیت نظام موجوده شناخته شده وسرمایه های هنگفت مادی ومعنوی ملت افغانستان صرف تهیه وتصویب وتوشیح این وثیقهٔ ملی گردیده و دست اندر کاران نظام وشرکای خارجی آن همیشه در مقابل شکمهای گرسنهٔ اکثریت قاطع ملت وعدم باز سازی مناسب کشور وازدیاد بحران امنیت واعتماد با پیشکش نمودن افتخار تهیهٔ همین قانون اساسی پاسخ گفته اند، در حالیکه اکنون خود عملا این یگانه دست آورد خود را نقض می نمایند! که نقض قانون اگر برای یک ساعت ویک روز هم باشد باز هم تخلف ونقض قانون است ونباید این عمل صورت گیرد. مخصوصا در جامعه ای مانند افغانستان که دچار بحران مشروعیت وامنیت ونقض قانون است ومجریان قانون باید با قانونمندی وتطبیق عملی آن با این بحران ها مقابله نمایند نه با قانون شکنی وقانون گریزی وخود کامگی.

دوم اینکه: هرگاه مشکلات امنیتی وسیاسی ویا اقتصادی وتشکیلاتی سبب نقض قانون اساسی ومانع اجرای انتخابات در میعاد تعیین شده خوانده شود باز هم توجیه منطقی وقانع کننده ندارد، زیرا این مشکلات وموانع در اکثر کشورها با تفاوت وجود دارد وافغانستان در این زمینه مستثنا نمی باشد. شاید هم فرق در این باشد که در اکثر کشورهای دیگر دولت ها به تنهایی با مشکلات فوق الذکر برخورد می نمایند ولی در افغانستان بیشتر از هفت سال است که جامعهٔ جهانی ظاهرا با همه امکانات وتواناییهای نظامی واقتصادی در پهلوی حکومت افغانستان قرار دارد وبرای تهیه وتصویب قانون اساسی به استدلال مشروعیت بخشیدن نظام ورفاه وامنیت مردم افغانستان تلاش ورزیده اند. بناء چگونه می توان قناعت کرد که دولت افغانستان وجامعهٔ جهانی از اجرای قانون وبرگزاری انتخابات به حدی عاجز مانده اند که بر فیصله های خود پا می گذارند وقانون اساسی را نقض می کنند؟؟ آیا کمسیون برگزاری انتخابات ویا حکومت افغانستان ویا نمایندگان وفرستاده گان کشورهای خارجی صلاحیت وحق آنرا دارند که قانون اساسی کشور را نقض کنند که البته این بحث حقوقی حساس وجنجال برانگیز از همین حالا توجه مردم را بخود جلب نموده وحتما در آینده دامنهٔ آن گسترش خواهد یافت که نتایج وعواقب آن متوجه تصمیم گیرنده گان به تاخیر انداختن انتخابات می باشد.

مسلم است که مشکلات امنیتی وسیاسی در کشور وجود دارد ولی همه می دانند که راه حل این مشکلات نقض قانون وتاخیر انتخابات نمی باشد، بلکه اجرای انتخابات در میعاد تعیین شدهٔ آن یکی از راه های مؤثر مقابله با این مشکلات ومعضله ها می باشد. هرگاه کمسیون برگزاری انتخابات ودولت وشرکای خارجی آن شرایط امنیتی وسیاسی را دلیل تاخیر موعد انتخابات قلمداد مینمایند، چگونه تضمین مینمایند که این شرایط با نقض قانون اساسی وتاخیر موعد انتخابات بهبود پیدا می کند؟ در حالیکه همهٔ این منابع داخلی وخارجی بدون استثنا ادعا مینمایند که اوضاع افغانستان رو به وخامت می گراید وبه همین دلیل به ازدیاد نیروهای خارجی وتشدید تدابیر امنیتی ونظامی رو می آورند. از جانب دیگر کمسیون برگزاری انتخابات ظاهرا عدم مساعد بودن شرایط اقلیمی وتخنیکی را دلایل به تاخیر انداختن انتخابات عنوان نموده است که این دلایل نمیتواند برای نقض قانون اساسی وایجاد بحران جدید در کشور موجه باشد. چه شرایط اقلیمی وموسمی افغانستان از نظر تهیه کننده گان قانون اساسی غایب نبوده وکمسیون انتخابات صلاحیت توجیه وتعدیل قانون اساسی را ندارد. همچنان پیشکش نمودن عوامل تخنیکی غرض تاخیر انتخابات ونقض قانون اساسی نمیتواند برای ملت افغانستان قانع کننده باشد، بلکه این امر قبل از آنکه عامل نقض قانون وتاخیر انتخابات پذیرفته شود، دلیل ضعف وبی کفایتی کمسیون مسئول برگزاری انتخابات وعدم جدیت وشفافیت دست اندرکاران اجرای برنامه ها وتطبیق قانون محسوب میشود. زیرا طوریکه اشاره به عمل آمد کشورها به تنهایی پروسهٔ اجرای انتخابات را تعقیب واجرا می نمایند، پس چگونه میتوان پذیرفت که شرایط تخنیکی ویا عدم آماده گی فنی ومالی وتخنیکی عامل مختل ساختن این پروسهٔ ملی ونتیجتا سبب گسترش بحران جدید در کشور گردد که پی آمدهای وخیم آن منافع علیای کشور وملت را مورد تهدید قرار دهد؟!

در نتیجه باید پذیرفت که اسباب وعوامل وشرایط ذکر شده غرض تاخیر انتخابات ونقض قانون اساسی با ملاحظهٔ وضعیت بحرانی افغانستان به هیچ صورت قانع کننده نبوده بلکه این اقدام بحران بزرگ دیگری را بر بحرانهای کشور اضافه نموده ودروازهٔ جدیدی را برای برخورد وتقابل افراد وگروهها وجناحهای گوناگون در سطوح مختلف باز نموده که حتما دامنهٔ آن گسترش خواهد یافت وبجای آنکه انتخابات زمینه ساز آرامش وبهبود اوضاع گردد خود عامل گسترش بحران وبی ثباتی برای کشور ومردم بیچارهٔ افغانستان خواهد بود.

احمدضیا مسعود معاون اول ریاست جمهوری:

معاونان ریاست جمهوری فاقد صلاحیت های قانونی خویش می باشند



احمدضیاء مسعود معاون اول ریاست جمهوری در سخنانی که به مناسبت ۲۶ دلو روز خروج اتحاد شوروی که در ولایت پنجشیر ایرادنمود، تعویق انتخابات ریاست جمهوری تاه ماه اسد ۱۳۸۸ را تصمیم غیرقانونی خواند و گفت: پس از اول جوزای ۱۳۸۸ حکومت رئیس جمهور کرزی به پایان رسیده ودیگر مشروعیت نخواهد داشت، او جهت خروج از این بن بست، پیشنهاد کرد، پس از اول جوزا که مدت کار حکومت کنونی به پایان می رسد. یک حکومت موقت زمام امور را بدست گیرد و به صورت بیطرفانه انتخابات را برگزارکند.

آقای مسعود افزود در صورتی که حامدکرزی پس از اول جوزا به کارش ادامه دهد ممکن است ادارات دولتی به نفع وی در انتخابات مداخله کنند و انتخابات شفاف صورت نگیرد.

معاون اول ریاست جمهوری در ادامه سخنان خویش اظهار نمود که معاونین ریاست جمهوری از صلاحیت های قانونی برخوردار نبوده وهیچ نوع صلاحیتی به آن ها واگذار نمی گردد وی افزود اجرآات معاونان به اداره امور ارجاع می گردد، آن اداره که تحت امرمستقیم رئیس جمهور می باشند اجرآات معاونان را متوقف می کند.

آقای مسعود در گذشته نیزبارها حکومت را مورد انتقاد قرار داده و از عدم برخورداری صلاحیت های قانونی خویش شکایت کرده است.

معاون دوم آقای خلیلی، که ظاهرا در مطبوعات از عدم صلاحیت های خویش ابراز نارضایتی نداشته اما برخی ها گفته اند وی نیز از این بابت نا رضایتی زیاد دارد. می گویند وی هنگام حادثه بهسود چندین روز به خانه نشست و تامرز استعفا پیش رفت.

گفته می شود در جریان جلسه رسمی کابینه به روز دوشنبه، برخورد لفظی میان رئیس جمهور و آقای مسعود رخ داده است. در این برخورد کرزی با عصبانیت با معاونش برخورد نموده و او را نوکر امریکا گفته است، اما آقای مسعود در پاسخ گفته است شما فراموش کرده اید که امریکایی ها شما را با هلی کوپترآوردند و برتخت نشاندند.

شماری زیاد از مردم از سخنان آقای مسعود استقبال می کنند، اما عده دیگر گفته اند آنچه که معاون اول ریاست جمهوری مورد انتقاد قرار داده اند، قبلا نیز وجود داشت که لازم بود مدت ها پیش این انتقاد صورت می گرفت.

فکر می شود با پایان ریاست جمهوری آقای کرزی افراد با نفوذ تیم وی، او را رها می کنند، چندی پیش آقای احدی رهبر حزب افغان ملت و یکی از همکاران با نفوذ وی استعفا داد.

امتحان کانکور

روزنه یی به سوی فردای جوانان کشور

استاد عبدالعلی کوهی / استاد دانشکدهٔ ادبیات

با وجود آنکه تعداد داو طلبان تحصیلات عالی در کشور رقم بزرگی را تشکیل می دهد، اما ظرفیت پذیرش در موسسات تحصیلات عالی نظر به محدودیت های موجود کشور ظرف این سال ها نه تنها ازدیاد نیافته بلکه در موارد نیز کاهش یافته است، علل این محدودیت ها در کمبود بودجه، سامان و وسایل آموزشی، نبود استادان مجرب و مسلکی، کمبودخوابگاه ها و محلات مناسب تدریس تشکیل می دهد

تعداد مشمولین امتحان کانکور سال ۱۳۸۷ هـ در حدود ۹۰ هزارتن تخمین زده می شود درحالی که وزارت تحصیلات عالی قادر است، تا ۱۸۱۵۰ تن آنان را در دانشگاه ها و مؤسسات تحصیلات عالی جذب نماید.

در این صورت ۲۰ در صد از این متقاضیان چانس ادامه تحصیلات عالی را در سال ۱۳۸۸ بدست خواهند آورد. در حالی که در سال ۱۳۸۴هـ ۴۳۰۰۰ تن در امتحان کانکور به رقابت پرداختند که از آنجمله ۱۲۰۰۰ تن آنان چانس تحصیل در تحصیلات عالی را در سال ۱۳۸۵ بدست آوردند که در مجموع ۲۸ در صد فارغان صنف دوازدهم همان سال را در بر می گرفت، هم اکنون درسطح کشور ۱۳ دانشگاه و نه موسسه تحصیلات عالی وجود دارد نظر به ظرفیت و قدرت جذب آن ها محصلان دراین موسسات معرفی می گردند با وجود آنکه تعداد داو طلبان تحصیلات عالی در کشور رقم بزرگی را تشکیل می دهد، اما ظرفیت پذیرش در موسسات تحصیلات عالی نظر به محدودیت های موجود کشور ظرف این سال ها نه تنها ازدیاد نیافته بلکه در موارد نیز کاهش یافته است، علل این محدودیت ها در کمبود بودجه، سامان و وسایل آموزشی، نبود استادان مجرب و مسلکی، کمبودخوابگاه ها و محلات مناسب تدریس تشکیل می دهد.

حتا در همین ظرفیت موجود تعدادی از دانشجویان در برخی از ولایات، مانند دانشگاه تخار در زیر خیمه درس می خوانند. امسال یک سلسله تسهیلات برای دانشجویان در امتحان کانکور وجود داشته است و استادان دانشگاه کابل در مرکز ولایات کشور به اخذ امتحان کانکور پرداختند و به حوزه های شغنان، بدخشان غور و بامیان. قبل از آن برف وبارندگی راه های مواصلاتی به آن مناطق را مسدود سازدحق اولیت دادند. مثل سال های پار، سه نوع امتحان وجود داشته است، یک امتحان عمومی که برای فارغان صنوف دوازدهم سال ۱۳۸۷ راه اندازی شده و به وقفه ها در ولایات و مرکز کشور اخذ می گردد. دو دیگر، امتحان متفرقه است و این امتحان برای کسانی است که در سال های قبل فرصت ورود به تحصیلات عالی را بدست نیاروده اند ویا روی معاذیری نتوانسته اند امتحان را سپری نمایند، این امتحان متفرقه شامل همه ولایات می باشد. سه دیگر امتحان مسلکی است که از فارغان مکاتب مسلکی و حرفوی، مانند مدارس، علوم دینی، طبی، زراعتی وغیره اخذ می گردد و به دانشکده های معین نظر به ضرورت، کمیت و ظرفیت بر اساس نمرات امتحان کانکور معرفی می گردند، آنچه در فهرست جذب دانشجویان در سال ۱۳۸۸ یک رقم درشت را نشان می دهد، موجودیت ۴۲ باب دارالمعلمین در سطح ولایات و مرکز کشور است در آن ۳۱۲۰۰ دانشجو جذب می گردند.

رقم دانشجویان از طرف وزارت تحصیلات عالی در سال ۱۳۸۸ این گونه نشان داده شده است:

مجموع پذیرش در دانشگاه هاه و موسسات تحصیلات عالی: ۱۸۱۵۰

مجموع پذیرش در موسسات تعلیمات عالی مسلکی ۱۱۰۰

مجموع پذیرش در موسسات تربیه معلم ۳۱۲۰۰۰

مجموع پذیرش در مدارس دینی ۳۶۰۰

مجموع پذیرش در موسسات نظامی ۲۰۰۶

مجموع پذیرش در موسسات متوسطه طبی ۵۴۰

مجموع عمومی ۵۹۵۹۶

میزان جذب دانشجویان دختر در دانشگاه های کابل، مزارشریف، هرات و جلال آباد همه ساله بیشتر می گردد.

ظرف هفت سال اخیر طوری که توقع برده می شد، در مورد ساختمان های جدید برای دانشگاه ها و خوابگاه ها نظر به خرابی های که در کشور رخ داده توقعات جوانان آنسان که می خواستند برآورده نشده است، اما با آنهم این وزارت توانسته است ستراتژی توسعه دانشگاه ها را در کشور روی دست گیرد. وزارت تحصیلات عالی ظرف این سال ها از کمبود بودجه شاکی بوده و بیشترین بودجه این کشور به خوابگاه های دانشجویان به مصرف می رسد. مشکل دیگری که وزارت تحصیلات عالی بدان مواجه است، کمبود خوابگاه ها برای دانشجویان است که تعدادی از دانشجویان در اماکن عمومی، سرای ها در شرایط بداقتصادی و معیشتی زندگی می کنند. از جانب دیگر تعدادی از خانواده ها نظر به فقر اقتصادی نمی توانند هزینه فرزندان خود را فراهم کنند و ازاین رهگذر تعدادی از دانشجویان آموزش را ترک می گویند و به دنبال کار واشتغال، حتا راهی کشورهای همسایه می گردند. در جنب و کنار دانشگاه های رسمی و دولتی تعدادی از موسسات تحصیلات عالی جواز کار و فعالیت خویش را از وزارت تحصیلات عالی بدست آورده اند که از آنجمله می توان از دانشگاه امریکایی، موسسات تحصیلات عالی کاردان، کاتب، باختر، پیوند و موسسه طبی چراغ در کابل و موسسه تحصیلات عالی مولانا جلال الدین محمد بلخی، و سادات در بلخ نام برد.

طوری که دیده می شود همه ساله به تعداد داوطلبان امتحان کانکور افزوده می شود.

بعد از نظام طالبانی درکشور گشایش مکاتب و تاسیس مکاتب جدید به یک حرکت سراسری در کشور تبدیل گردیده و در ایجاد ابتدایی و ثانوی در میان اقوام مختلف کشور رقابت سالم به وجود آمده است که هیچ وقت یک چنین حرکت در کشور وجود نداشته است. روی این منطق همه ساله فشار بالای وزارت تحصیلات عای بیشتر می گردد. یگانه راهی که می تواند این فشار را از این وزارت کمتر سازد، ایجاد مکاتب حرفه یی و مسلکی در چوکات وزارت معارف می باشد ویگانه راه کاریابی و اشتغال روی آوردن به این مکاتب خواهد بود.

وزارت تحصیلاتی عالی با یک چنین بودجه ناچیز و امکانات دست داشته خویش کمتر می تواند خدمات اضافی را به فارغان صنوف دوازدهم فراهم سازد و در اوضاع و احوال کنونی این وزارت کمتر می تواند در کمیت دانشجویان در موسسات تحصیلات عالی و دانشگاه ها بیفزاید. قبل از همه این وزارت به ظرفیت سازی نیاز دارد به ویژه ظرفیت سزی و تقویه استعداد وکارایی استادان در موسسات تحصیلات عالی از اولویت های این وزارت محسوب می شود تا وقتی که دانشگاه ها رسیدگی نشود دانشجویان کمتر می توانند از آخرین معلومات در عرصه های مختلف علوم بهره مند گردند.

په بهرکې د افغانانو د پاتې کيدو لاملونه ...

بهرته يې مخه کړه و کړه چې په پاکستان يا هند کې له څه خنډ وروسته اروپايي هيوادونو يا امريکې ته ولاړل اوهلته ميشت شول.

هغه افغانان چې په پاکستان او ايران کې اوسيږي، ځيني يې داوسيدو لپاره کارتونه لري چې په پاکستان کی ورته شناختي پاس او په ايران کی برگه وايي او ډيری يې هغه کسان دي چې د اوسيدو لپاره قانوني اسناد نلري. همدارنگه په سعودي عربستان او د خليج په هيوادونوکی هم افغانان اوسيږي چې اوسيدولپاره اسناد لري او ورته "اقامه" ويل کيږي، چې دډيرو کسانو د اقامی موده ختمه شوې او اوس بی له اسنادو ژوند کوي او ځيني نوربيا په پاکستانی پاسپورتونو ژوند تيروي...

په بهرکی د اکثرو افغانانو د پاتې کيدو لامل، اقتصادی ستونزې دي. په غربی هيوادونوکی چې بهرنيانو ته د تابعيت اسناد کله ورکول کيږي- د دلايلو له ورانډي کولو او د حکومتونو له قناعت وروسته دا کسان په ډاډه زړه هلته اوسيږي او بيرته د راستنيدو هوډ نلري...

ډيرو افغانانو چې د پناه اخستلو لپاره يې فورمې اخستي دي ويلې چې طالبانو د حکومت له لاسه نشي کولاې په هيواد کی ژوند وکړي او په هغه ورځ چې د طالبانو حکومت وپرزيږي دوې په بيرته وطن ته ستانه شي...

همدارنگه د روسانو دتيری په وخت کی هم د پناه اخستونکو پلمه همداوه چې يرغلگر شورويان زمونږ په هيواد کی شتون لري او د هغوې دبيرته ستنيدو په صورت کی به بيرته خپلو هيوادونو ته لاړشو! خو په امريکه، اروپا او استراليا کی تول پناه اخستونکی ومنل شول او تابعيت او پاسپورتونه يې تر لاسه کړل، اوس که چيرې په هيواد کی د هغوې د خوښې سياسي نظام او افراد هم واک ته ورسيږي، دوې به بيرته وطن ته راستانه نشي! کيداې شي چې د نړيوالو موسساتو له لياري او په کافي معاش دځه مودې لپاره وطن ته راشي او کار و کړي مگر د قرار دادله ختميدو وورسته به بيرته خپل مرفه ژوند او هغه هېواد ته ستانه شي. که چيری ځينې کسان د اسې وي چې د غربي نړۍ له ارزښتونو سره توافق ونلري او هلته د ژوند شپې او ورځې ورباندې په سختۍ تيريږي او هيوادته د راتگ په وخت کې بيرته ونه گرځي نو بياهم د هغوي اولاد پاتي کيږي او په خپل هيواد کې د ژوند تيرولو لپاره زړه ته ښه کوي.

اصلي لامل دا دی چې د ژوند امکانات په بهراو دننه کې ډير توپيرلري چي ترټولو مهمه خبره يې د پيسو پيداکول دي، همدارنگه داوسيدو لپاره کور، ضروري امکانات لکه برق،گاز، پاخه سړکونه، مکتبونه، روغتونه او نور.

په اروپا، امريکا او استراليا کی ميشت افغانان ځکه گرم نه دي چې په ايران او پاکستان کې اوسيدونکي وطنوال هم هيوادته د راستنيدولپاره زړه نه ښه کوي چېرته چې د ژوند امکانات پکی دلويديځو هيوادونو په پرتله ډيرکم دي....

په بهر کی د افغانانو تلپاتی ژوند او يا اوږ مهاله ژوند زمونږ لپاره ډيرې ستونزې راپيداکوي. د دوې اولادونه د خپل پلرنی تشخص سره بيگانه کيږي او ديني او معنوی پانگې له لاسه ورکوي! دوې خپله ژبه او فرهنگ هيروي او د خپلو نيکونو او پلرونوله تاريخ او ويارنو څخه بې خبره پاتي کيږي او په غربي فرهنگ رنگ کيږي.

نه پوهيږو چي د وطن واکدارانو د داسې ستونزولپاره فکرکړی او ورته د حل لاره لري او که نه؟!

اوباما سند ۱۷ هزار نیروی جدید به افغانستان ...

نیروها بسیار ضروری است. رابرت گیبس سخنگوی کاخ سفید، در دنور اظهار داشت: این تصمیم به اطلاع پنتاگون رسید و دستور آن نیز روز (چهارشنبه) به امضا رسید.

این نیروها شامل ۸۰۰۰ تفنگدار دریایی، ۴۰۰۰ سرباز ارتش و ۵۰۰۰ خدمه پشتیبان خواهد بود. قرار است پیش از تشدید احتمالی درگیری‌ها همزمان با گرم‌شدن هوا، مستقر شوند.

هم اکنون ۱۴ هزار نیروی آمریکایی تحت نظارت ناتو در افغانستان حضور دارند. همچنین ۱۹ هزار سرباز آمریکایی تحت فرماندهی ارتش آمریکا مسوول مقابله با نیروهای شورشی طالبان و القاعده هستند. با این افزایش شمار نیروهای امریکایی درافغانستان به پنجاه هزار نفر می رسد.

ژنرال دیوید مک کرنان فرمانده نیروهای آمریکایی در افغانستان نیز خواهان تعداد بیشتری نیرو در افغانستان شده بود.

وی پیش از این گفته بود: ما به حدود ۳۰ هزار سرباز اضافی نیاز داریم تا بتوانیم طالبان را قلع و قمع کنیم و از غیر نظامیان حمایت کنیم. به طور کلی انتظار می‌رود که دولت جدید آمریکا تعداد سربازان حاضر در افغانستان را تا ۶۰ هزار تن هم افزایش دهد.

صاحب نظران باور دارندکه بحران افغانستان نمی تواند از طریق نظامی و با تکیه بر افزایش نیروهای نظامی حل شود، بهبودی وضعیت اقتصادی، اصلاح فساد و بیکاری درحکومت و تقویت نهادهای نظامی و امنیتی، شرایط اصلی ثبات وامنیت در افغانستان می باشد.

متاسفانه امریکا و ناتو که در این روزها استراتژی جدیدی برای حضور خویش در افغانستان تدوین می کند روی اقدامات نظامی بیشتر تاکید دارند و از افزایش برنامه های اقتصادی سختی به میان نمی آورند.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما

حضرت محمد(ص) رهبر ما

قرآن قانون ما

جهاد راه ما

شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم - سال هفتم - شمارهٔ سی و هفتم شنبه ۳ حوت ۱۳۸۷- ۲۵ صفر ۱۴۳۰ - 21 February2009

توافق امریکا و افغانستان

برای جلوگیری از تلفات غیر نظامیان

امریکا و افغانستان توافق کردند تدابیر مشترکی را عملی سازند تا از تلفات غیرنظامیان در جنگ با شورشیان جلوگیری شود.

این توافق روز یکشنبه هفتهٔ گذشته در یک کنفرانس خبری میان ریچارد هالبروک و حامد کرزی اعلام شد. کرزی در این کنفرانس خبری گفت که، وی از امضای این اعلامیه خوشحال است و دو طرف باید روی تطبیق آن در روزهای آینده کار کنند.

برآساس این توافق همکاری های دو کشور افزایش می یابد. نیروهای امنیتی افغانستان نقش بزرگتری در طرح ریزی و اجرای عملیات، تلاشی ها و عملیات در نواحی پرجمعیت به ویژه در مناطق قبایلی را به عهده خواهند گرفت.



همچنین اعلام شد که یک هیأت افغانی به سرپرستی وزیر امورخارجه در تدوین سیاست جدید امریکا در ارتباط افغانستان که از سوی هالبروک هدایت می شود، شرکت خواهد کرد.

این دو حرکت، می تواند از لحاظ سیاسی رابطهٔ کرزی را با حکومت جدید امریکا برقرار سازد. کرزی در هفته های اخیر با مشکلاتی مواجه بوده است. وی حمایت داخلی را از دست داده. اما ادارهٔ جدید امریکا هم واضح ساخته که کرزی، شخص مورد علاقهٔ آن ها نیست.

تلفات غیرنظامیان در سال ۲۰۰۸

چهل درصد بیشتر از سال گذشته است



یک گزارش سازمان ملل متحد که سه شنبه ۲۹ دلو منتشر شد، حاکی است سال گذشته بیش از دو هزار غیر نظامی در افغانستان کشته شدند.

بر اساس این گزارش، آمار تلفات غیرنظامیان در افغانستان در سال گذشته، چهل در صد افزایش داشته و شورشیان مسلح مخالف دولت، مسؤول کشته شدن پنجاه و پنج درصد (۲۱۱۸) نفر از غیرنظامیان بوده اند.

این گزارش همچنین نیروهای افغان و خارجی را مسؤول مرگ ۳۰درصد دیگر از غیرنظامیان در افغانستان می داند.

سازمان ملل متحد با انتشار این گزارش، از طرف های درگیر در افغانستان خواسته که با احترام گذاشتن به قوانین بین المللی، از آسیب رساندن و کشتن غیرنظامیان خودداری کنند.

اما مقام های سازمان ناتو آمار ارایه شده در این گزارش را رد کرده و گفته اند که در اثر حملات این نیروها در افغانستان، تنها ۲۳۷ غیرنظامی کشته شده اند.

خشونت ها در افغانستان ظرف سال های اخیر سیر صعودی داشته و این مساله نگرانی مردم افغانستان، از نهادهای بین المللی و دولت افغانستان را برانگیخته است.

نیروهای خارجی مستقر در افغانستان شورشیان مخالف دولت را متهم می کنند که از غیر نظامیان به عنوان سپر انسانی استفاده می کنند.

همچنان تعداد زیادی غیر نظامی در بمبگذاری های کنار جاده ای، حملات انتحاری و حملات مسلحانه گروه های مسلح مخالف دولت افغانستان کشته شده اند.

مسئولان سازمان ملل متحد می گویند این گزارش را براساس گفتگو با مردم و جمع آوری اسناد و مدارک، تهیه کرده اند.

نیلاب مبارز، از سخنگویان دفتر سیاسی سازمان ملل (یوناما) در کابل می گوید حدود ۳۹ درصد غیرنظامیان در سال ۲۰۰۸ میلادی در اثر حملات هوایی نیروهای خارجی و بیش از ۵۵ درصد دیگر در نتیجه حملات شورشیان کشته شده اند.

به گفته خانم مبارز، این حملات بیشتر در مناطق پرجمعیت در ولایات جنوب، جنوب شرق و شرق افغانستان قربانی گرفته است.

گزارش سازمان ملل متحد همچنین نشان می دهد که شماری از مکتب ها، به ویژه مکتب های دخترانه نیز مورد حملات شورشیان قرار گرفته و هزاران دانش آموز از دسترسی به آموزش محروم شده اند.

په بهر کې د افغانانو د پاتې کیدو لاملونه

همنوا

د جهاد له پیل نه مخکی هم ډیرکم افغانان په بهرنیو هیوادونوکی اوسیدل اوځینی یی د هستوګنې لپاره اسناد تر لاسه کړی ؤ، خو د جهاد او هجرت له ستر بهیرسره په سلګونو زره افغانان بهرته. او په ځانګړی توګه دوؤګاونډیو هیوادونو(پاکستان او ایران) ته مهاجرشول او د مجاهدینو له بري وروسته او هم په کابل کی دجنګونو له پیل سره یو تعداد نورکسان چي دکمونیستی حکومتونو چارواکي او افراد پکي شامل ؤ.

پاتې پر۷مخ

رویداد های مهم هفته

تلفات غیر نظامیان در حملهٔ خارجی در هرات

نیروهای خارجی مستقر در افغانستان روز ۴ شنبه ۳۰ دلو با پخش خبر نامه یی، گفته اند که یک مخفیگاه شورشیان وابسته به حزب اسلامی را در ولسوالی گذره ولایت هرات مورد حمله قرار داده اند. در این خبرنامه گفته شده که در نتیجهٔ این حمله یک فرماندهٔ شورشیان را که متهم به حملات راکتی بر دفتر نمایندگی سازمان ملل متحد در هرات و فرودگاه این شهر بود، کشته شده است.

در همین حال ژنرال اکرام الدین یاور فرمانده پلیس زون غرب به بی بی سی گفته است که در اثر این حمله ۱۳ غیر نظامی کشته شده اندکه زنان و کودکان نیز در میان آنها دیده می شود. او گفت در این عملیات، پنج مرد، شش زن و دو کودک و یک شورشی کشته شده اند. سخنگوی ائتلاف گفته است تحقیقات آنان در مورد شمار دقیق کشته شدگان این حمله آغاز شده است.

کشته شدن یک فرماندهٔ ارشد شورشیان دربادغیس

نیروهای امنیتی افغانستان و خارجی روز سه شنبه ۲۸ دلو از کشته شدن ملادستگیر فرمانده ارشد شورشیان به شمول هشت تن دیگر از شورشیان در ولایت بادغیس خبر داده اند. ملا دستگیر در چندین حمله بر نیروهای ارتش ملی و خارجی متهم بود. او مدتی را در زندان پلچرخی به سر برد و اخیرا به فرمان رئیس جمهور از زندان رها شده بود.

طالبان کارت رأی دهی گرفته اند

روزنامهٔ آرمان ملی روز ۵ شنبه ۱ حوت به نقل از رئیس کمیسیون انتخابات در ولایت قندهارگزارش داده است که شورشیان مسلح در ولایت قندهار ثبت نام کرده و کارت رای دهی اخذکرده اند. به نقل از این مقام دولتی گفته شده است که طالبان در موفقیت برنامه ثبت نام رای دهندگان با این کمیسیون همکاری کرده اند. در این گزارش هویت و چگونگی وابستگی این گروه مشخص نشده است.

حمله به کارخانه های تولید مواد مخدر در هلمند

نیروهای امنیتی افغانستان و بریتانیایی در نتیجهٔ یک عملیات، مواد شیمیایی را که برای تولید مواد مخدر از آن استفاده می شد، به دست آورده اند. ارزش این مواد شیمیایی بیش از پنجاه میلیون پوند برآورد شده است. گفته شده این عملیات طالبان را از نظر مالی با دشواری های زیادی روبرو خواهد کرد. این مواد شیمیایی در ولایت هلمند، به دست نیروهای افغان و بریتانیایی افتاده است.

در این عملیات، هفتصد سرباز افغانستانی و بریتانیایی بر چهار کارخانه تولید مواد مخدر حمله کرده اند. مقامات امنیتی گفته اند در این عملیات، محلاتی مورد حمله قرار گرفت که در آن مواد انفجاری و بمب ساخته می شد.

در این عملیات، مقداری سلاح سبک و راکت انداز، بر علاوهٔ یک موترسایکلی که برای اجرای حملهٔ انتحاری آماده شده بود، به دست آمده است.

ده تن از کارمندان صحی ربوده شدند

گزارش شده است که ده تن از کارمندان دو مرکز درمانی از ولسوالی موسهی ولایت کابل روز ۴ شنبه ۲۹ دلو از سوی افراد مسلح ربوده شده اند. داکتر عبدالله فهیم سخنگوی وزارت صحت عامهٔ کشور، ربوده شدن این افراد را تأیید کرده است.

گفته می شود ربوده شدگان شامل شش زن و چهار مرد هستند که از سوی یک نهاد غیر دولتی به عرضهٔ خدمات صحی مشغول بودند. تا کنون هیچ گروهی مسؤولیت ربودن این افراد را به دوش نگرفته است.